

# آغاز تاریخ نگاری در

## ژاپن

دکتر هاشم رجب زاده

دانشگاه مطالعات خارجی اوساکا - ژاپن

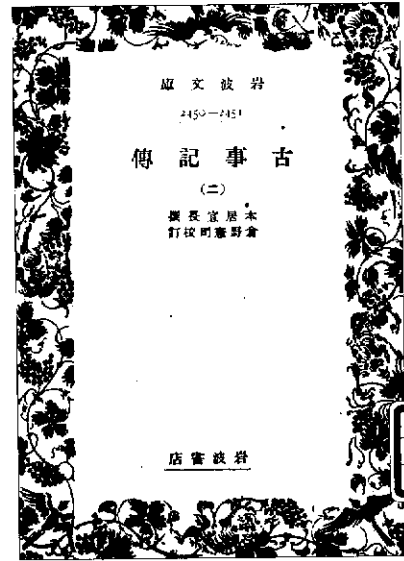
درآمد سخن

تاریخ نگاری در ژاپن دنباله سنت چینی و الگو گرفته از آن است. در چین از روزگاران دور، رویدادهای دوره حکومت هر سلسله پادشاهی به ترتیب روز شمار ثبت و تدوین می شد. بر ساختن این «سالنامه های تاریخی» چنان اهمیتی در سنت مملکتداری داشت که این کار حتی در روزگار تسلط بیگانگان بر چین (دوره یوان یا حکومت خانان مغول) نیز بر جای بود.

ژاپن باستان پس از اقتباس شیوه نگارشی چین، آئین بودا، و نیز بسیاری از تأسیس های حکومتی این تمدن کهنسال، تاریخ نگاری را هم - به شیوه تدوین تقویم رویدادها یا وقایع نامه های تاریخی - از چینیان الگو گرفتند.

نخستین تاریخ نامه های ژاپن که در پی رویدادهای سرنوشت ساز سده های پنجم و ششم و به مباشرت دستگاه حکومت، تدوین شد و تا روزگار ما بازمانده، به ترتیب کوچیکی (Koji-ki) و نیهونگی (Nihon-ki) است. تألیف نخستین، بیشتر افسانه های ملی ژاپن است و واجد ارزش ادبی بسیار؛ اما نیهونگی (که نیهونگی یا نیهون شوکی Nihon-shoki هم خوانده می شود) محتوا و اهمیت تاریخی بیشتری دارد، و از این رو آن را می توان نخستین تاریخ نامه حقیقی ژاپن دانست. این اثر با پنج تألیف بعدی که در سده های هشتم و نهم میلادی تدوین شد، تاریخ نامه های ملی ششگانه ژاپن را می سازد. از آن پس، و به تبع احوال متغیر، کار تألیف تاریخ نامه ها وضع متفاوتی پیدا کرد چنان که تکنگاری و تألیف های فردی هم به قلمرو تألیف تاریخی راه یافت، و تاریخ نامه های دوره میانه ژاپن با این ویژگی ها متمایز است. سرانجام، با فرا رسیدن دوره تجدد ژاپن از میانه سده نوزده و دگرگونی های فکری و فرهنگی مقارن و پیامد این نقطه عطف تاریخی،





نیروی کار غنی بود. ژاپنیان قدیم خود از سرزمین شان خرسند بودند و جزایرشان را خاک «خوشه های پربرتک برنج» می خواندند. از این رو، از نظر تاریخی، انزوا و پایه کشاورزی نسبتاً مولد دو عامل تعیین کننده اصلی در جغرافیای ژاپن بود. مجموع این عوامل به ژاپنی ها امکان داد تا فضا و حیات فرهنگی متعالی ای در تماس با تأثیرهای آسیا، اما نه در سیطره آن، بار آورند.

وضع اقلیمی و جزیره ای بودن ژاپن، در احوال و خلق و خوی فردی و اجتماعی مردم ژاپن نیز مؤثر بوده، آنها را درون گرا ساخته، و در پذیرش آئین و گرفتن فرهنگ از دنیای بیرون جای گزینش برای شان گذاشته است.

#### وضع اجتماعی:

جامعه ژاپن، مانند بیشتر مناطق دارای باران های موسمی در آسیا، پایه دهقانی دارد که مشخصه آن نسبت بالای کشتکاران به واحد زمین و نسبت بالای برداشت محصول در کل اقتصاد است که با به کار گرفتن نظام بسیار ظریف و متوازنی از اداره آب و سازمان روستایی و خانوادگی فرا آمده است. این «پایه دهقانی» نسبتاً ثابت مانده، ریشه در زمین دارد، و دغدغه آن بیشتر خاک و آب است.

نیز، چنانکه در میان دیگر مردم آسیای شرقی- همانند بیشتر جوامع پیش از دوره تجدد- از مشخصه های جامعه ژاپن، افتراق شدید میان پایگاه دهقانی و خاندان های حاکم - که میراث دار فرهنگی والائترند - است. اتکای عمده به اقتصاد کشاورزی، تحمیل شدیدی بر زارعان ژاپن که با حاصل کار خود زندگی مرفه ۱۰ درصد اعیان یعنی مالکان، رزمندگان، راهبان و دیوانیان را تأمین می کردند، وارد می آورد.

مکتب و تعالیم کنفوسیوس که در آسیای شرقی بنیاد عمده فلسفی رفتار و نگرش نسبت به دولت و جامعه ای بار آمده از چنین فرهنگ دهقانی بود، حکومت را مرجعی خیرخواه جامعه اما مستبد می دید، و جامعه را ترکیبی طبیعی از درجات و طبقاتی از نخبگان حاکم، کشاورزان، پیشه وران و بازرگانان.

از نظر تاریخی، ژاپن در فضا و محیط فرهنگی ای که چین کانون آن بود، برآمد. با این همه شتابی که این ملت شرق آسیا، برای گرفتن مایه های تازه بار آمده فرهنگ در غرب نشان داد، از ویژگی های آن و نشانه استقلال فرهنگی اش از نفوذ چین بود. مردم ژاپن در اصل از نژاد چینی نبودند، و زبان، آئین، الگوهای اجتماعی و اندیشه شان از حکومت نیز تفاوت بنیادی داشت با آنکه در چین بود. مورخان به ویژگی هایی که ژاپنیان را از دیگر مردمان شرق آسیا ممتاز می کند تأکید کرده اند. سانسوم (George Sansom)

### در بررسی تاریخ ژاپن می توان آن را به سه دوره قدیم و میانه و جدید متمایز ساخت. در این مقاله به پیدایش تاریخ نگاری در ژاپن و نخستین آثار آن پرداخته می شود. سخن از تدوین تاریخی دوره های میانه و جدید فرصتی جداگانه می خواهد

تاریخ نگاران کوشیدند تا با نگاهی تازه به تاریخ و فرایند آن بنگرند. چنین است که در بررسی تاریخ ژاپن می توان آن را به سه دوره قدیم و میانه و جدید متمایز ساخت.

در این مقاله به پیدایش تاریخ نگاری در ژاپن و نخستین آثار آن پرداخته می شود. سخن از تدوین تاریخی دوره های میانه و جدید فرصتی جداگانه می خواهد.

برای مرور تاریخ وقایع نامه های ژاپن، نخست آشنایی با احوال محیط و مردم این سرزمین بایسته است.

#### احوال و محیط ژاپن: وضع اقلیمی:

محدوده و موقع خاص جزایر ژاپن، زیستگاه ویژه ای به مردم این سرزمین داده است. چهار جزیره عمده ژاپن، هوکایدو، هونشو، شیکوکو، کیوشو و بیش از هزار جزیره کوچک که با هم مجمع الجزایر ژاپن را می سازند به صورت کمانه ای از رأس ساخالین تا نقطه ای در جنوب شبه جزیره کره امتداد دارد، و میان مدارهای ۴۵ و ۳۱ درجه واقع شده است. مجموع مساحت این سرزمین اندک - حدود ۱۴۲/۷۰۰ میل مربع - و بیشتر کوهستانی، و فقط ۱۶ درصد آن قابل کشت است. از سوی دیگر، بیشتر این جزایر در منطقه باران های موسمی آسیای جنوبی واقع، و هوای بیشتر این مناطق به تأثیر امواج و بادهای شدید اقیانوس که به سراسر طول آن می وزد، معتدل است.

ویژگی های سرزمینی ژاپن در طول تاریخ آن، تغییرناپذیر مانده، اما اهمیت آن به تناسب احوال متمیز زندگی در ژاپن و دنیای پیرامون آن تفاوت کرده است. امروزه ژاپن را از نظر جغرافیایی

(Sir)، ژاپن شناس انگلیسی، درباره «جوهر سخت و تحلیل ناپذیر منش فردی» که به مقاومت در برابر نفوذ بیرونی برآمد، نوشت. شماری از نویسندگان از تداوم «ابتدایی بودن» رسوم اجتماعی و اندیشه آئینی ژاپن یاد کرده‌اند. دیگران گفته‌اند که ژاپنی‌ها منش رزمجویی را که میراث جامعه عشیره‌ای اولیه‌شان است نگهداشته‌اند. ژاپنیان خود چنین می‌پسندند که آنها را دارای جوهر یگانه دمسازی با طبیعت، زیبایی‌شناسی، یا برخوردار از مایه تحلیل نفوذ فرهنگی بیرونی در ارزش‌های خاص خودشان بدانند. البته تداوم تاریخی، شماری از ویژگی‌های فرهنگی ژاپنی را منکر نمی‌توان شد، و این خصوصیت، ژاپنی‌ها را در میان اقوام شرق آسیا ممتاز می‌کند. از آن میان آداب و آئین شینتو، که از پرستش ساده روستایی ارواح محلی تا عقاید سیاستگرا درباره الهه آفتاب و خاندان و تبار امپراتور، همچنان کانون اندیشه ژاپنی‌ها نسبت به حکومت است. از مکتب‌های کنفوسیوس و بودا اثر نپذیرفته است.

تداوم تبار و خاندان شاهی از حقایق اساسی تاریخ ژاپن است. این مایه ما را به دریافتن شماری از ویژگی‌های سازمان سیاسی ژاپن یاری می‌دهد. از همان آغاز تاریخ ژاپن، خانواده‌های حاکم، خودشان را در یک شجره خاندانی پرشاخ و برگ که در آن رؤسای خانواده اقتدار سیاسی و هم زعامت دینی داشتند، سازمان دادند. بدین‌سان ساخت قدرت مبتنی بر خویشاوندی، که دستگاه سلطنت، نخست از این راه قدرت برتر خود را در جزایر ژاپن استوار کرد، به پشتوانه پایگاه روحانی نبای او، الهه آفتاب بود. نجبان متقدم ژاپن رزمندگان و نیز حاکمان بودند، و با اینکه تأثیر نظام کشورداری چین موجب شد که سنت رزمندگان در ژاپن از سده هفتم میلادی به مدت چهار قرن سرکوب شود، این جامعه رزمنده اشراف در سده دوازده در هیأت سامورائی باز پدیدار شد و تا عصر جدید شاخص‌ترین عنصر حاکمیت در ژاپن بود. به رهبری همین سامورایی بود که ویژگی‌های جامعه ژاپن که با الگوی چینی تفاوت دارد، برآمد.

### دوره‌های تاریخی:

از ویژگی‌های تاریخ ژاپن این است که جزایر اصلی این سرزمین همواره زیر حکومت واحد یا تابع یک خاندان حاکم خودی بوده است. سه جزیره کیوشو، شیکوکو و هونشو، که خاستگاه کشور ژاپن بود هرگز از نظر سیاسی و حکومتی از هم جدا نبوده‌اند. از سوی دیگر، کوهستانی بودن این جزایر و احوال اقلیمی آن موجب شد که کشور واحد ژاپن به نواحی و مناطق متعدد تقسیم بشود، هر یک با ویژگی محلی و قدرت ایالتی خود. پیش از عصر تاریخی، سه دوره ماقبل تاریخ

برای کشور و مردم ژاپن شناخته‌اند: دوره جوهمون (Jomon) (تا حدود ۳۰۰ یا ۲۵۰ قبل از میلاد) و دوره یایوی (Yayoi) (از حدود ۳۰۰ تا ۲۵۰ قبل از میلاد تا حدود ۲۵۰ تا ۳۰۰ میلادی) را نمی‌توان به‌درستی به دوره تاریخی ژاپن ربط داد؛ اما دوره کوفون (Kofun) (گور) (سال‌های ۲۵۰ تا ۵۵۰ م.) پیش‌دوره بی‌واسطه عصر تاریخی ژاپن است که تا روزگار ما ادامه می‌یابد. این دوره‌ها دارای مشخصاتی چند است:

۱- همگنی و یگانگی فرهنگی: در هر یک از سه دوره یاد شده، فرهنگ آن دوره در سراسر ژاپن گسترده شد. بیشتر تحقیق‌ها نشان می‌دهد که در حدود سال ۵۵۰ میلادی نظام خاندان‌های حاکم (خانخانی)، هر کدام با یک مرکز ناحیه‌ای، که خاندان‌هایی مانند سوغا (Soga) و مونونوبه (Mononobe) سرآمد آنها بودند، بر جای بود. روابط اجتماعی، مالکیت زمین، و تولید کشاورزی، همه بر زمینه روابط خاندان‌ها شکل گرفته بود.

سنت فرهنگی ژاپن و میراث معنوی آن یکسره پایه و مایه چینی دارد. دیر زمانی پیش از آنکه ژاپن در سده پنجم در عرصه تاریخ قد برافرازد، اندیشه فلسفی چین به پایه‌ای متعالی رسیده بود. تا آغاز عصر میلادی دانش تاریخی چینیان نیز به عنوان رشته‌ای خاص و جدا از فلسفه پدید آمده بود

۲- پیشرفت کشت و کار: در نخستین دوره (جوهمون)، یافت اقتصادی و اجتماعی ابتدایی و از گونه ماقبل تاریخ بود. دوره یایوی پیشرفته‌تر می‌نمود، و در اواخر دوره سوم، مردم هر آنچه را که ژاپن دوره تاریخی از آن بهره داشت دارا بودند. احوال اجتماعی به سرعت پیشرفت کرد، و این بیشتر حاصل تأثیر جریان مناوم تمدن چینی به ژاپن بود. تا سال ۶۰۰ میلادی که ژاپن بر آن شد که هیأت سفارتی به دربار امپراتور سلسله سونی (Sui) چین بفرستد. ژاپن به واقعیات تاریخی بر روی هم آگاهی یافته بود (چین پیشرفته‌تر می‌نمود و جامعه ژاپن، در مقایسه با آن، عقب‌مانده نشان می‌داد). نتیجه عملی این آگاهی این شد که حکومت ژاپن شالوده‌ای سیاسی برای تسریع در

جریان فراسوی تمدن بریزد. آنچه بیش از هر چیز سیاستگذاران ژاپن را به این تلاش واداشت ملاحظات روابط خارجی بود.

۳- بحران در روابط خارجی: چنین می‌نماید که در ازمنه باستان - حدود اوایل عصر میلادی - که قلمرو تمدن چین دوره سلسله هان (Han) به سرزمین کره و جزایر ژاپن دامن کشید، این دو ناحیه عرصه فرهنگی واحدی بود، و مناسبات میان جماعات در داخل این دو ناحیه، با اینکه خاک آنها در دو سوی دریا افتاده بود، جریان داشت. به ملاحظه همین واقعیت، فرمانروایان ژاپن روا می‌دیدند که دربار چین حاکمیت آنها را بر مردمان کره، همچنانکه بر اهالی ژاپن، به رسمیت بشناسد. تلاش برای جدا ساختن این منطقه مشترک فرهنگی نخست از سوی مردم کره پیدا آمد، و ممالک سیلا (Silla)، پانکچه (Paekche) و کوغوریو (Koguryo) که برای تسلط و تفوق یافتن با هم در ستیزه بودند، ممتاز شدند. مردم

全現代語訳

# 日本書紀

宇治谷孟

کتاب «نیهون شوکی» «یاتیهونگی»  
(در دو جلد)، نشر ت کودانشا، ۱۹۹۸ م.

ژاپن به‌ظاهر با متمایز کردن کشور خود در برابر این جنگ و رقابت‌ها عکس‌العمل نشان دادند، و در این مرحله گویا جوامعی واقع در بخش جنوبی کره، موسوم به میمانا (Mimana)، را در قلمرو حکومت خود به شمار آوردند، و برای داشتن این ناحیه با پادشاهی‌های کره جنگیدند.

در نیمه نخست سده هفتم مناسبات ژاپن با چین و کره در مبادله تشریفاتی سفرا نمودار می‌شد. اینگونه مبادله در میانه این قرن بیشتر شد. ستیز میان پادشاهی‌های کره نیز شدت می‌گرفت، و سلسله تانگ (Tang) هم فعال‌تر و قهارتر از آغاز سر و کار داشتن ژاپن یا او شد. میانه ژاپن با سرزمین پانکچه در کره، که در نیهون شوکی - نخستین تاریخنامه ژاپن - بیشتر به عنوان

ژاپن - معبد بودایی «تودای جی» - «برج زنگ» بنایی که در آن زنگ بزرگی آویزان است. ساخته شده به سال ۱۲۰۷ تا ۱۲۱۰ م



کشور خراجگزار نموده می‌شود، خوب بود. به نوشته نیهون شوکی، این سه پادشاهی کره (سیلا، پانکچه و کوگوریو) در سال‌های ۶۴۵ تا ۶۴۷، خراج به ژاپن آوردند (نیهون شوکی یا نیهونگی، ترجمه استون، ص ۲: ۱۹۸، ۲۱۲، ۲۲۶، ۲۴۰).

با در گرفتن جنگ در کره، وضع برای ژاپن بحرانی شد. نخست سیلا و کوگوریو در سال ۶۶۳ مملکت پانکچه را شکست دادند، و قوای ژاپن که به کمک این یک فرستاده شده بود به وسیله نیروی دریایی چین در نبرد پانکچون - گانگ (Paekche'on-gang) درهم شکسته شد. سپس سیلا در سال ۶۶۸ کوگوریو را از میان برداشت، و نخستین وحدت سیاسی کره را در تاریخ تحقق بخشید. کره متحد به پشتیبانی حکومت مقتدر سلسله تانگ (Tang) چین، خطر عمده‌ای برای تفوق جویی ژاپن پیش آورد. حکومتی قوی، استوار و منسجم بیش از هر زمان دیگر برای ژاپن بایسته می‌نمود.

○○○

ایجاد کشور متحد ژاپن در حاکمیت امپراتور و با دستگاه اداری منظم و مراتب دیوانسالاری، پاسخی به این گونه بحران‌ها بود و نیز نتیجه دریافت دانسته و حساب شده الگوی چینی در اندیشه و شیوه حکومت که از سوی دربار یاماتو (Yamato) اتخاذ شد.

در نیمه سده چهارم، دربار یاماتو تقریباً بر همه ژاپن سلطنت داشت. مهاجران از چین و کره به گرمی پذیرفته می‌شدند تا در کشاورزی و پیشه‌ها و فنون، ژاپن را یاری دهند. چندین خاندان نیرومند که هر کدام در زیستگاه خود قدرتی داشتند، تابع امپراتور بودند. آنها در سیاست دربار شرکت داشتند، همچنانکه در ایران دوره هخامنشی بزرگان ده خاندان حاکم، در کارها نظر می‌دادند. رئیس موروثی هر خاندان بر مردم تابع خود که بیشتر بستگان و خویشان او بودند، فرمان می‌راند؛ زیارتگاه شینتو خاص خود را می‌ساخت و مالک زمین‌های خود بود. امور مهم در این دوره، کارهای آئینی بود؛ و دیگر خاندان‌ها با حق موروث خاندان یاماتو برای ریاست در چین آئین‌ها (مانند درو کردن نخستین حاصل برنج، و نیایش در زیارتگاه ایسه Ise پس از برداشت کشت، چنانکه جشن مهرگان در ایران) توافق کرده بودند. شاید که خاندان یاماتو، دعوی قانع‌کننده‌تری برای این جایگاه داشت، زیرا که تبارش به آماته راسو-نومیکامی (Amaterasu Omikami)، یا الهه آفتاب می‌رسید.

از حدود سال ۵۵۰ دربار یاماتو که کار ترقی و تقویت ژاپن را برعهده داشت به بسیاری نوآوری‌ها

«کوجیکی»، تحریرت تازه آن - نگاشته کاتسومی ماسودا، چاپ ۱۹۹۶ م.

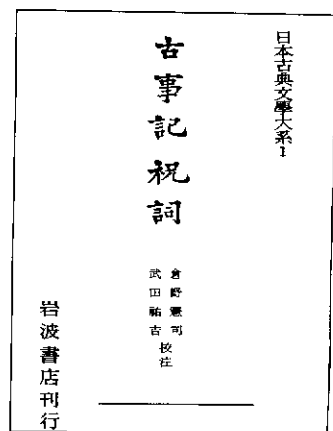


و تدبیرها پرداخت، و از آن میان می‌توان به اتخاذ آئین بودا، ایجاد نظام اداری و حکومتی متمرکز، تقسیم مردم به درجات و طبقات، و تشویق و توسعه دانش و هنر چینی در این سرزمین اشاره کرد.

نیهون شوکی، نخستین تاریخنامه ژاپن، هم به الگوی تاریخنامه‌های چینی، مانند تاریخنامه بهاری و بانیزی (لوشی چون کویی) Qui (Lu Shi Chun) نگاشته و پیش از ۲۲۵ میلادی، ساخته شد. ژاپن سرانجام از دست رفتن میمانا (Mimana) را پذیرفت، و چون علاقه به سرزمین دیگری در کره نداشت پس از سقوط حکومت پانکچه (در سال ۶۶۳) از لشکرکشی به



«کوجیکی»، نشر ایوانامی،  
سال ۳۳ شووا (۱۹۵۸ م)



کره دست کشید.

بدین سان، کشور متحد ژاپن در واقع در وضعیتی که موجب چندین پس رفت در مناسبات خارجی شد بنیاد گشت. ممالک چین و کره که در برابر ژاپن بودند هیچ گاه به اینجا لشکر نکشیدند. اما خطر عمده‌ای که پدیدار می‌نمود، هر چند که تهدیدی کاذب بود، انگیزه‌ای قوی برای تغییر و تحول در ژاپن شد.

سیاست، حکومت، و تاریخ:

در دربار یاماتو (۷۱۰-۷۵۰ میلادی)، در میان خاندان‌های رقیب خاندان مونونوبه (Mononobe) که وظیفه و امتیاز پاسلاری کاخ امپراتور را داشت،

در قدرت نظامی سرآمد و برتر از دیگران بود. اما خاندان سوگا (Soga)، رقیب مونونوبه، رفته رفته اعتبار یافت و در سال ۵۴۶ بزرگ سوگا به نام اینامه با وصلت دادن دخترش با خاندان امپراتوری، در تقویت خود کوشید. مانع عمده در راه او خاندان‌هایی بودند که قدرت‌شان را از پیوند با شینتو، آئین باستانی ژاپن، می‌گرفتند.

به نوشته نیهون شوکی، در سال ۵۵۲ (یا ۵۳۸) فرمانروای یکی از پادشاهی‌های کوچک سرزمین کره از دربار یاماتو خواست تا سپاهی به یاری او در برابر دشمنانش بفرستد. او همراه این درخواست تندبسی از بودا از طلا و مس، چند چتر، کتل و بیرق با نشان بودایی و مجلداتی از نوشته‌های مقدس این آئین به دربار ژاپن فرستاده و در نامه خود افزوده بود: «این آئین، والاترین اندیشه عالم است؛ اما وصفش دشوار و دریافتنش سخت است.» امپراتور کیمه‌ئی (Kimmel) تصمیم در این کار را به وزیران خود واگذاشت. بزرگ خاندان سوگا به پذیرفتن آئین تازه رأی داد، اما سران خاندان‌های نیرومند مونونوبه و ناکاتومی (Nakatomi) گفتند که اگر خدایان بیگانه را بپرستند، خشم خدایان خود (شینتو) را برمی‌انگیزند. امپراتور، شیوه مدارا پیش گرفت و مجسمه بودا را به بزرگ خاندان سوگا سپرد. اینان، و در رأس آنها اینامه (Iname) به حمایت آئین بودا درآمدند. در برابر آنان، مخالفت‌های بسیاری از سوی متولیان آئین شینتو به ظهور رسید، که سرانجام به درگیری میان دو خاندان سوگا و مونونوبه در سال ۵۸۷ انجامید. پیروز برآمدن سوگا اهمیت بسیار داشت، و این خاندان از این تاریخ سه ربع قرن بر سر قدرت بود و سیاست مرکزیت را پی گرفت. آئین بودا، به تولیت دربار ژاپن، به سرعت رونق و رواج یافت. شاهزاده شوه‌توکو (Shotoku) که به جایگاه نایب‌السلطنه امپراتور وقت، ملکه سوئیکو (Suiko)، برآمد و خود را مبارز پیگیر تمرکز نشان داد، با خاندان سوگا متسوب بود.

از میانه سده ششم تا پایان سده هفتم که بنیاد کردن کشور با حکومت متمرکز به انجام رسید و کوجیکی (Koji-ki) و نیهون شوکی (shoki-Nihon) تدوین شد، سه شیوه عمده از سوی رهبران سیاسی برای ایجاد و تحکیم وحدت ملی به کار گرفته شد: شمشیر؛ نظام سیاسی؛ هدایت عقیدتی. شیوه یا وسیله سوم به صورت ترویج آئین بودا و تاریخ‌نگاری نمودار شد.

○○○

بزرگ خاندان سوگا آئین تازه را برای کشوری که جلوه‌های دیگر تمدن آسیا و چین را دریافته بود

ناگزیر می‌دید. پس، بوداییان چینی و کره‌ای را آورد و دستگاه این آئین را برپا داشت. امپراتور بعدی، پس از کیمه‌ئی، به آئین بودا عقیده داشت و به طریقت خدایان (شینتو) هم احترام می‌گذاشت؛ با حمایت او و خاندان سوگا، آئین بودا گسترده شد. سوگا موقع برتر یافت و رئیس این خاندان قدرت بلامنزاع به هم رساند. پیروز برآمدن خاندان سوگا بر رقیبان به ایجاد حکومت واحد و متمرکز یاری داد.

در پی این رویدادها، شاهزاده شوئتوکو جایگاه ژاپن را در شرق آسیا و شناسایی آن از سوی دولت‌های همسایه را با یک حرکت دیپلماتیک در سال ۶۰۸ استوار کرد. در تاریخنامه سلسله سوئی چین (سوئی - شوئو Sui Shu) در شرح رویدادهای این سال می‌خوانیم که شاهزاده شوئتوکو امپراتور یانگ دی (Yang Di) را با خطایی نامناسب خشمگین کرد. در پیامی که برای امپراتور چین فرستاد، او را امپراتور «سرزمینی که خورشید در آن افول می‌کند»، و امپراتور ژاپن را فرمانروای کشوری که خورشید در آن طلوع می‌کند» خوانده بود. این «طلوع و افول» ایهامی داشت که امپراتور سلسله سوئی را سخت برآشفته. در این احوال، بزرگان خاندان سوگا قدرت فزاینده‌شان را برای مقاصد شخصی به کار بردند تا

تندیس بودا،  
از ارزنده‌ترین آثار  
میراث فرهنگی ژاپن  
در معبد کوریو فوجی  
در کیوتو

جایی که دربار ژاپن نیز بیمناک شد. آنها، بی‌اعتنا به آئین و آداب، مقابری موسوم به میساساگی (Misasagi) که امتیاز خاص امپراتور بود، برای خود ساختند. مخالفان سوگا در تابستان سال ۶۴۵ ایروکا (Iruka) رئیس این خاندان را از میان برداشتند، و در نبردی که از پی آن درگرفت به آسانی پیروز شدند. آنگاه با اصلاحاتی که در سازمان حکومت شد دوره تازه‌ای از تحولات روی نمود که به دولت مرکزی و نیز حکومت‌های ایالات شکل داد. آخرین نبرد عمده میان خاندان‌های رقیب، که جنگ جین‌شین (Jinshin) در سال ۶۷۲ بود، در تاریخنامه نیهون شوکی نبردی بر سر جانشینی امپراتور تن‌چی (Tenchi) یاد شده است. این امپراتور اصلاح‌طلب، اصلاحات «تایکا» را به اجرا درآورد. طرح و اجرای نو کردن نظام حکومت در دوره امپراتور تمو (Temmu) دنبال شد، و سرانجام با تدوین و اجرای طرح تایهوه‌ریو، (Taiko Ryo) در سال ۷۰۱، جریان به الگوی چینی درآوردن حکومت به انجام رسید.

در هر یک از سه رویداد و نبرد عمده - مبارزات میان خاندان‌های سوگا و مونونوبه در سال ۵۸۷، سرنگون شدن سوگا در سال ۶۴۵ و نبرد جین‌شین در سال ۶۷۲ - حامیان دربار اصلاح‌طلب پیروز برآمدند.

#### اصلاحات سیاسی:

سده هفتم میلادی در شرق آسیا روزگاری پر از جنگ بود، و ژاپن به تلاشی منسجم برای بقا، نیاز داشت. طرح دیرپایی برای دنبال گرفتن جریان ایجاد ژاپن متحد و یافتن جایگاه شایسته در آسیای شرقی آماده بود، و سیاست مطابقت دادن حکومت با اقتضای حال نیز به خوبی اجرا شد.

انتخاژ آئین بودا، که دینی بسیار متفاوت از اعتقادات بومی ژاپن می‌نمود، مستلزم تغییر اساسی در نظرگاه بنیادی بود. در سده هفتم دیگر تردیدی، مانند آنچه که امپراتور کیمه‌ئی در پذیرفتن چیزهای بودائی داشت، در میان نبود، پس از نبرد جین‌شین، عناوین و مناصب مملکتی یادقت و حسابگری به پیروزمندان

داده شد. در سال ۶۸۴ م. در مقام‌های درباری تجدیدنظر شد و نظام اشرافی هشت مرتبه‌ای سازمان داده شد که قرن‌ها بی‌تغییر ماند.

در همین سال، که گمان می‌رود که وحدت آمال و احساس بسیار بود، حکومت مباشر و متولی تدوین تاریخنامه‌ها شد. اصلاحات سیاسی گسترده که در آغاز این عصر سرگرفت با نام شاهزاده شوئتوکو، که او را می‌توان معروف‌ترین و محبوب‌ترین چهره تاریخ قدیم میان ژاپنیان شناخت، همراه است. او در سال ۶۰۴ م. مرامنامه‌ای صادر کرد که به «اساسنامه هفده ماده‌ای» معروف شده است. و مجموعه‌ای از اصول و الزامات اخلاقی برای زمامداران و دولتمردان را شامل بود.

در نخستین ماده این اساسنامه، ارزش تعادل در جامعه بیان شده و از مفاسد اجتماعی زندهار داده شده است. همه ۱۷ ماده این مرامنامه الهام گرفته از اصول آئین بودا و اندیشه کنفوسیوس است، و چند اصل آن چنین می‌گوید:

۱. باید که به همگنی گزایید (از سخنان کنفوسیوس در کتاب «مکالمات» او).
  ۲. با همه جان و دل، آئین بودا را محترم دارید.
  ۳. فرمان امپراتور را مقدس و مطاع شمارید. فرمانروا همچون آسمان است و اتباع او بمانند زمین.
  ۴. دولتمردان و دیوانیان باید که نیکومنش و راست کردار باشند.
  ۵. از شکم بارگی بپرهیزید، و در بند مال دنیا نباشید.
  ۶. بدی را کبیر رسانید و خوبی را پاداش دهید.
  ۷. مسؤولیت هر کس را دقیق و روشن معین سازید.
  ۹. ایمان، بنیاد راستی و درست کرداری است.
  ۱۰. خشم را از سر و کینه را از دل بزادید.
  ۱۱. در کارهای بزرگ، با سنجش و مشورت‌های بایسته تصمیم بگیرید.
- با این رهنمودها، شاهزاده شوئتوکو کوشید تا به خصومت میان خاندان‌های نیرومند پایان دهد، پایگاه امپراتور را ممتاز سازد، و اتباع را به اطاعت و وفاداری به او وادارد. نیز از تلاش برای ترویج آئین بودا باز نایستاد. اما او در سال ۶۴۶ و پیش از به ثمر رساندن طرح اصلاحات خود درگذشت. در چین نیز سه سال پیش از آن سلسله سوئی سرنگون شده و امپراتور سلسله ته‌انگ برنشته بود.
- پس از مرگ شاهزاده شوئتوکو، خاندان سوگا بر حکومت و سیاست ژاپن چیره شد، و او ماکو بزرگ این خاندان بلند پروازی خود را برای به دست گرفتن تاج و تخت نشان داد. او به زودی



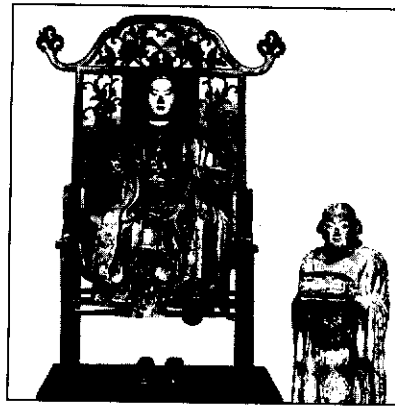
درگذشت و پسرش، یه میشی به جایش نشست. این یک رفتاری نآرامتر داشت. او و پسرش ایروکا استبداد و خودسری پیشه کردند، و دشمنی با خاندان سوگا و ایستادگی در برابر رفتار آنان در دربار روزافزون و دامن گستر شد. **ناکاتومی - نوکاماتاری** از درباریان که در سوی شاهزاده اصلاح طلب **ناکا - نو - اوپه (Naka-no-Oe)** بود توطئه‌ای برای سرنگون ساختن سوگا چید. او و یارانش در مراسم پذیرش سفیر کره ایروکا را کشتند؛ و یه میشی، پدر ایروکا، که سقوط سوگا را ناگزیر می دید پس از آتش زدن سرایش، خودکشی کرد (ژوئن ۶۴۵). ملکه که برکشیده سوگا بود، ناچار به کناره گیری شد و برادر کوچکش به جای او نشست. شاهزاده **ناکا - نو - اوپه** ولیعهد شد (و سپس، در سال های ۶۶۲ تا ۶۷۱ به نام امپراتور **تن چی (Tenchi)** پادشاهی کرد). اکنون کاماتاری، قدرت برتر بود و ثروت و اعتبار یافت؛ نام تازه خاندانی فوجی وارا به او داده شد. **ناکا - نو - اوپه و کاماتاری** سپس تدابیری را طرح و اجرا کردند که اصلاحات تازه **تایکا (Taika)** نامیده شده است.

اصلاحات تایکا با صدور فرمان چهار ماده‌ای امپراتور در آغاز سال ۶۴۶ سرگرفت، و ناظر به تدابیر زیر بود:

۱. الغای حقوق و امتیازهای شاهزادگان و اعیان و امیران محلی بر اراضی و املاک و اقدار مردم.
  ۲. ایجاد نظام تازه و اصلاح سازمان و تقسیمات کشوری.
  ۳. ثبت خانوارها و برآورد مالیاتی و ترتیب توزیع مجدد اراضی.
  ۴. طرح نظام تازه مالیاتی بر پایه وسعت شالیزارها به جای مالیات‌های قدیم و کار اجباری.
- هدف این اصلاحات متمرکز ساختن قدرت حکومت در دربار و تبدیل نظام حکومتی ژاپن از گونه‌ای اتحاد بی‌ثبات خاندان‌ها و امیران محلی به صورت کشوری واحد با حکومت متمرکز و نیرومند به الگوی حکومت ته‌آنگ چین، و اصلاح نظام ارضی و مالیاتی بود. با این تدابیر، عصر دیوانسالاری در ژاپن آغاز شد.

#### هدایت عقیدتی: تاریخ نگاری:

زامداران ژاپن پس از پیروز برآمدن در صحنه رزم بر رقیبان و پی افکندن اصلاحات سیاسی، به کار فرهنگی که زمینه‌ساز قوام و پایداری نظام نوین کشور بود، پرداختند. تدوین تاریخنامه‌ها به عنوان ابزار هدایت عقیدتی نیز از چین مایه و الگو گرفت. بدین‌سان تاریخ نگاری ژاپن متعلق به دیر سال‌ترین سنت ثبت و تدوین رویدادها است که در آسیای خاوری یعنی در چین



تندیس از شوه توکو - تایشی، فرمانروای فرزانه ژاپن قدیم بر کرسی نیابت سلطنت.

### اندیشه چینی، ژاپن را در

### از مننه قدیم به پنهای عالی

### از رشد فرهنگی و سیاستی

### ژاپنی‌ها تا این نقطه آغاز

### به ساختن و برپا داشتن فرهنگ و

### ادبی که با عنوان کشور

### سلیقه شان سازگار بود

### برآمدند

برآمد. بر روی هم سنت فرهنگی ژاپن و میراث معنوی آن یکسره پایه و مایه چینی دارد. دیر زمانی پیش از آنکه ژاپن در سده پنجم در عرصه تاریخ قد برافرازد، اندیشه فلسفی چین به پایه‌ای متمالی رسیده بود. تا آغاز عصر میلادی دانش تاریخی چینیان نیز به عنوان رشته‌ای خاص و جدا از فلسفه پیدا آمده بود. نخستین اثر مهم تاریخی که بر ترکیب و شیوه تاریخ نگاری و تاریخنامه‌ها اثر نهاد، «تاریخنامه‌های بهاری و پائیزی» (چون کیو Chun Qiu) بود، که روایتی است از رویدادها به صورت تقویم تاریخی، و تدوین شده در لو (Lu) - ولایت زادگاه کنفوسیوس - و حاوی وقایع دوره فتودالی چین (سال‌های ۷۲۲ تا ۴۸۰ پیش از میلاد). شرح تاریخی نگاشته شده در سده سوم میلادی با عنوان **ژو ژوان (Zou Zhuan)** (شرح ژو کیومینگ Zuo Qiuming) مکمل این اثر بود. در این کتاب شرح روایی و گفت و شنودی قدیم به صورت قصص و شکایاتی به شیوه «تاریخنامه‌های بهاری و پائیزی» تحریر شده است.

با اتخاذ و اقتباس بنیادهای تمدنی چین در ژاپن قدیم، گنجینه دانش چینی یکسره در دسترس ژاپنی‌ها قرار گرفت. در سده هفتم هر کتابی که در ژاپن خوانده می‌شد، از چین آورده

شده بود. اندک زمانی پس از ابداع الفبای هجائی ژاپنی، که همراه نشانه‌های نگارشی خط چینی نوشته می‌شد، ادبیات ژاپن - شعر، سفرنامه و خاطره‌نگاری، داستان، قصص و رسالات دینی، و تاریخنامه - رو به رشد نهاد. با این همه، ژاپنی‌ها همواره و همچنان آثار مکتوب چینی را مناسب حال و کار خود در زندگی فردی و اجتماعی می‌دیدند.

اندیشه چینی، ژاپن را در ازمنه قدیم به پایه‌ای عالی از رشد فرهنگی رساند؛ و ژاپنی‌ها از این نقطه آغاز به ساختن و پرداختن فرهنگ و ادبی که با تاریخ و فکر و سلیقه‌شان مانوس‌تر بود برآمدند.

دو کاربرد که حکومت آرزوخواه ژاپن می‌بایست بکند:

۱. با شرکت جستن در امور خارجی، شناسایی کشورهای همسایه (چین و پادشاهی‌های کره) را به دست آورد.

۲. وحدت را در داخل کشور، محکم و پایدار سازد.

طرح دیر انجام بنیاد کردن مملکت ژاپن به همت رهبرانی که یک هدف و خواسته را دنبال می‌کردند به طور درخشانی به ثمر رسید. تاریخنامه‌های ژاپن که در اجرای این طرح بر ساخته شد، یعنی کوچیکی (Koji-ki) و نیهون شوکی (Nihon Shoki)، در جای آثاری معتبر پذیرفته آمد، آگاهی‌هایی که این آثار درباره بنیاد کشور، تأسیس خاندان و سلسله پادشاهی، و سرآغاز همه خانواده‌های ژاپن می‌دادند، با نیازهای جامعه آن زمان همخوانی کامل داشت. این آثار در عصر جدید نیز پایه و مایه فهم و درک ژاپن و مردم آن است.

فرمانروایان ژاپن خواستند تا اندیشه‌های مؤید حکومت خود را به صورت تاریخنامه ارائه کنند. و نیز بر آن شدند که طرحی منسجم در این کار دراندازند. حاصل این نیت و عزم، کوچیکی و نیهون شوکی (که نیهونگی هم خوانده می‌شود) بود. در چین، فلسفه و تاریخ در کار شناساندن و مشروع نمایاندن بنیادهای حکومت اهمیت یکسان داشت؛ اما در ژاپن توجه منحصرأ به تاریخ بود. سوای اساسنامه هفده ماده‌ای که طرح آن به شاهزاده شوه‌توکو منسوب است. هیچ نوشته فلسفی از روزگار باستان نمانده است. پس از تصمیم حکومت به مباشرت تدوین کوچیکی و نیهون شوکی، کوشش‌های دیگری برای تاریخ نگاری در کار آمد، اما این آثار در دست نیست، و همه می‌بایست در سده هفتم از میان رفته باشد.

توجه و اهمیتی که خاندان سوگا به تاریخنامه‌ها می‌داد، بزرگان آن را واداشت تا با شکست‌شان در سال ۶۴۵ تاریخنامه‌های بر ساخته خود را نیز از

میان ببرند. شاید که آنها بهتر می‌دیدند که روایت‌شان از تاریخ روزگار قدرت آنها با خودشان از میان برود، و برای دشمنان پیروزمند نماند تا در آن دست ببرند.

### کوچیکی و نیهونگی:

طرح تاریخنگاری حکومت، شامل دو سفارش جداگانه بود، که حاصل آن کوچیکی (Kuji-ki) و نیهونگی / نیهونکی (Nihon-ki) (یا، نیهون - شوکی Nihon-shoki) شد. شرح کوچیکی درباره آغاز گرفتن تدوین آن، این اثر را حاصل مأموریت دادن در این کار از سوی امپراتور تمو به تاریخ‌شناسی به نام هیه‌دا-نو-آره (no Are - Hieda) یاد می‌کند. از آره که استعداد و هوشی عالی و حافظه‌ای قوی داشت خواسته شد تا همه نوشته‌ها و روایت‌های تاریخی و نسب‌شناسی را بررسی، تحریر، ویراسته و تدوین کند. او بی‌درنگ به این کار پرداخت. اما با درگذشت امپراتور تمو در سال ۶۸۶ این طرح به علتی معلق ماند و کار آن تا سال ۷۱۱ از سر گرفته نشد. آن‌گاه ملکه گنمی (Genmei) که تازه برنشته بود دانشمندی ادب‌شناس به نام **نوسو-یاسومارو (O-no-Yasumaro)** را مأمور ساخت که کار هیه‌دا-نو-آره را «ثبت و ارائه» کند. یاسومارو این کار را به انجام رساند و در مقدمه‌اش بر این دفتر نوشت که بازپردازی آن به علت دشواری‌های املائی کار سختی بوده است: «در زمان‌های قدیم، واژه‌ها و عبارات، ویراسته و سفته نبود، و دشوار می‌شد که سخن‌ها را به قالب نوشته درآورد.» این اثر در سه کتاب مرتب شده و بخش افسانه‌ای آن فقط روایتی از داستان‌های عامه‌پسند است. تاریخنامه سال به سال آن هم در نگرش انتقادی چندان وزنی ندارد.

روایت نهایی کوچیکی که در سال ۷۱۲ ارائه شد، به احتمال، از تألیف دیگری که در آن هنگام در جریان بود و به تدوین نیهون شوکی در سال ۷۲۰ انجامید، اثر پذیرفته باشد. این طرحی بود بسیار اندیشیده‌تر از نظر علمی، با بهره‌گیری از منابع گسترده با هدف دقت و درستی، و بر مبنای استاد مکتوب به شیوه تاریخنامه‌های چینی. این شیوه تبیین نمایان با کار تألیف کوچیکی داشت. که این یک به ظاهر ثبت روایات داستان‌وار کسانی است که می‌گفتند با سنت و تاریخ آشنایی دارند. تألیف نیهون شوکی نیز با فرمان امپراتور تمو سرگرفت. او در سال ۶۸۱ مجمعی مرکب از شش شاهزاده و شش تن از اشراف را به نوشتن «تاریخنامه‌ای از امپراتوران، و نیز از چیزهای بسیار قدیم» مأمور ساخت. شوق اینان در این کار چندان بود که دو تن از نجبای این مجمع «خود قلم به دست گرفتند، و یادداشت برداشتند (نیهونگی، ص ۲: ۳۵۰). اما خوب دانسته نیست که آنها چگونه



«ایزاناگی» و «ایزانا می» که برابر افسانه‌ها به فرمان خدایان به زمین آمدند و جزایر ژاپن و عناصر طبیعت از پیوند آنان پیدا آمد

امپراتور سوچین (Sujin) ۱۶۸ سال عمر کرد، و به نوشته نیهون شوکی و منابع دیگر ۱۲۰ سال. در برآورد نهایی، ارزش کوچیکی بیشتر برای فضل تقدم آن است، و به لحاظ ارزش ادبی و نیز تاریخی به پایه نیهون شوکی نمی‌رسد.

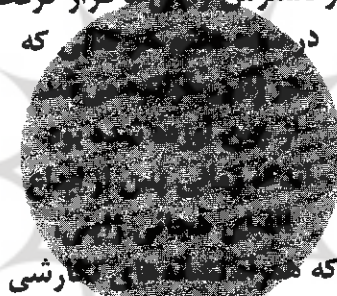
تاریخنامه‌های رسمی ژاپن گاه یکی از این دو تألیف و گاه مرجع دیگری را مآخذ قرار می‌دهد. بیشتر تاریخ‌شناسان بر این نظرند که کوچیکی پیش از نیهون شوکی نوشته شده، هر چند که برابر قرائنی تألیف آن دیرتر، و در دوره هیان (سال‌های ۷۹۴ تا ۱۱۸۵) بوده است. اومه‌زا وا ایسه زو (Umezawa Isezu) استدلال می‌کند این گمان که کوچیکی پیشتر تألیف شد از آراء دانشمندان دوره توکوگاوا (Tokugawa) (سال‌های ۱۶۰۰ تا ۱۸۶۷ م) برآمده است، که نزد آنان این اثر منبع ارزش‌های اخلاقی و سیاسی ژاپن بود (Brownlee، ص ۴۰۰). درباره تدوین و تألیف نیهون شوکی، این نظر که آن در سال ۶۸۱ سرگرفت و به انجام رسیدنش چهل سال کشید، از دانشمندانی مانند ساکاموتو تارونو (Taro Sakamoto) و نانوکمی کو-جیرو (Kojiro Naoki) است. کسانی علیه این نظر برخاسته‌اند و بخصوص هیراتا توشی هارو (Toshiharu Hirata) در نوشته‌اش با عنوان تحقیقاتی در مایه‌های متون قدیم ژاپن (Nihon Koten-no-Seiritsu، ۱۹۵۹) به این نکته می‌پردازد.

هیراتا استدلال می‌کند که امپراتور تمو در سال ۶۸۱ فرمان به اجرای طرح تدوین نیهون شوکی داد، اما در برابر مخالفت و دشواری‌ها این کار را متوقف ساخت و به تألیف کوچیکی فرمان داد؛ و در سال ۷۱۴ فرمان از سر گرفتن طرح نیهون شوکی داده شد.

این هم محتمل است که شماری از طرح‌های بعدی تاریخ‌نگاری نیز به سفارش دربار ژاپن بوده باشد، مانند تألیف شرح توصیفی و تاریخ ایالات موسوم به فودوکی (Fudoki)، که در سال ۷۱۳ در دوره ملکه گمه‌ای (Gemmei) فرمان آن داده شد و با طرح مرکزی تاریخ‌نگاری مرتبط بود. ازین تاریخنامه‌های ایالات فقط شرح مربوط به ایالت ایزومو (Izumo Fudoki) به صورت کامل به ما رسیده، از شرح ایالات هیتاچی (Hitachi)، هاریمای (Harima)، یونگو (Bungo)، و هیژن (Heizen) بخشی بازمانده، و بقیه این نوشته‌ها از دست رفته است.

حکومت مقرر می‌داشت که تاریخ‌نامه‌های ایالات مشروح و به صورت مطلوب باشد تا بر پایه آن گرایش‌های استقلال جوی محلی را سرکوب کند. از یک سو، برآمدن ژاپن در منطقه شرق آسیا مطرح می‌شد و بنیاد شدن این کشور بر اراده خدای

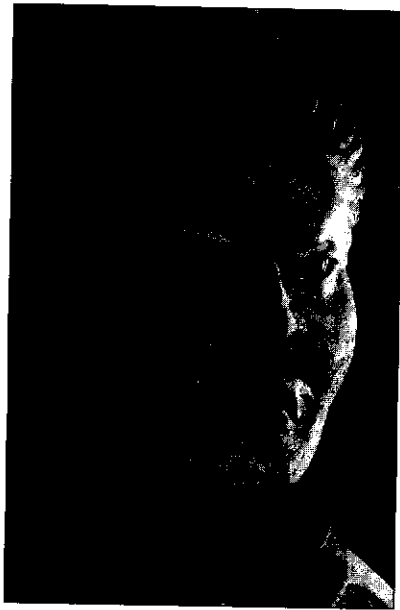
## با اتخاذ و اقتباس بنیادهای تمدنی چین در ژاپن قدیم، گنجینه دانش چینی یکسره در دسترس ژاپنی‌ها قرار گرفت.



که کتب و تصانیف تاریخی خط چینی نوشته می‌شد، ادبیات ژاپن - شعر، سفرنامه و خاطره‌نگاری، داستان، قصص و رسالات دینی، و تاریخنامه - رو به رشد نهاد

این اثر را پرداختند. کار این تألیف چهل سال طول کشید. طول زمان کافی بود که کار را در نفوذ و تأخیر دیوانسالاران درآورد، و نیز منابع و اسناد فراوان فراهم آید و مشوره گسترده درباره مطالب و نکات فنی و تفسیر و تعبیرها بشود. چنین است که کوچیکی در مطلب و محتوا هم با نیهون شوکی تفاوت بسیار دارد. برای نمونه، کوچیکی، مرگ امپراتور جیمو (Jimmu) را در سال ۱۳۷ سالگی نوشته است، و نیهون شوکی در ۱۲۷ سالگی (این روایت اخیر در تاریخ‌نگاری رسمی اتخاذ شده است)؛ سونی سی (Suisei) پسر جیمو به روایت کوچیکی در ۴۸ سالگی و به نوشته نیهون شوکی در ۸۰ سالگی درگذشت (تاریخنامه رسمی، ۸۴ سالگی یاد کرده است). در روایت کوچیکی،





خاندان‌هایی را که در آن روزگار در کار بودند دربر نمی‌گیرد. ثبت تاریخی محدود به خاندان‌هایی شد که نیرومند بودند، پیوند نزدیک با دربار ژاپن داشتند، و سنت نیاکانی را نگهداشته بودند. (Brownlee, ص ۴۹).

این دو اثر نمونه‌های روشن تاریخ‌نامه‌نویسی برای پاسخگویی به نیازهای جامعه بود. اما مردم آن روزگار از دست پنهان قدرت سیاسی که در پس گزینش مطالب و تنظیم آن، و انتخاب واژگانی که قدرت اثرگذار و برانگیزنده داشته باشد، و هدفی که در این کار منظور بود، خبر نداشتند.

#### تاریخ‌نامه‌های رسمی:

تاریخ‌نگاری در ژاپن با تدوین و تألیف‌های فردی - چنانکه در چین بود - آغاز نشد. در اینجا تدوین تاریخ‌نامه‌های رسمی که نخستین‌شان کوچیکی و نیهون شوکی (تقویم تاریخی ژاپن،

شیمتو - و خاستگاه آسمانی امپراتوران و خاندان‌های نیرومند می‌بایست در کوچیکی گفته شود چنانکه دیگر ممالک شرق آسیا و نیز خود ژاپنی‌ها بپذیرند که مردم ژاپن از بافته‌ای دیگرند و به‌واقع مستقل. از سوی دیگر، برآمدن ژاپن در شرق آسیا همانا به مایه اتخاذ بنیادهای تمدنی، حکومتی و فرهنگ چین بود؛ و این سند هم می‌بایست در نیهون شوکی ارائه شود. ازین رو نیهون شوکی به چینی نوشته شد (حال آنکه کوچیکی به شیوه خاصی نگاشته آمد). نیز، در تدوین آن شیوه رسمی تاریخ‌نگاری چینی دنبال شد؛ چنانکه آوردن هر دو روایت متفاوت درباره رویدادی انجام می‌شد. برای ارائه روایات مختلف از مطلبی، عبارات متنوعی به کار برده می‌شد که معمول‌ترین آنها عبارت‌اند از: در کتاب‌های دیگر آمده است؛ کتاب دیگر می‌گوید، کتابی می‌گوید، کتابی قدیمی می‌گوید، دفتری دیگر حاکی است که: در جای دیگر گفته شده است که: در محل دیگر می‌خوانیم که: برابر یک زندگی‌نامه خود نوشت و....

از آنجا که هدف از تألیف نیهون شوکی اعتلای حکومت امپراتوری بود، شگفت نیست که شماری از امپراتوران در شرح آن به مبالغه‌آمیزترین وجه نمونه عالی فضیلت معرفی شده‌اند. امپراتور نین توکو (Nintoku) - فرمانروا در سال‌های ۳۱۳ تا ۳۹۹ - روزی از فراز تپه‌ای به قلمروش نگریست و دید که دودی از آشپزخانه‌های مردم برنمی‌خیزد؛ پس آنان را از مالیات معاف ساخت (نیهونگی، ص: ۲۷۹).

در یکسره خوب نشان دادن امپراتور نین توکو، و سراپا بد نمودن امپراتور بورتسو (Buretsu) - فرمانروا در سال‌های ۴۹۸ تا ۵۰۶ - مؤلفان نیهون شوکی سابقه و سنت تاریخ‌نگاری چین را در طرز معرفی نخستین و پسین فرمانروای هر خاندان حاکم دنبال کردند. درباره ژاپن که همه امپراتوران از یک تبار بوده‌اند، مورخان این وضع را به شاخه‌ای از خاندان امپراتوری مربوط می‌ساختند.

مورخان ژاپن با این فن و ترفندها امید داشتند که بر خوانندگان چینی و کره‌ای تاریخ‌نامه‌ها اثر بگذارند و ستایش آنها را برای تمدن ژاپن برانگیزند. کوچیکی که برای این مقصود به کار می‌آمد، و شاید که امتیاز ادبی این اثر نیز آن را جاذبه بیشتر بخشید، چنانکه کیفیت علمی، نیهون شوکی را در این آثار، خاندان‌های حاکم به همان صورت و ترکیبی که بوده‌اند رسمیت تاریخی نیافته‌اند. آبه تاکه‌هیکو (Abe Takehiko) شصت سالی پیشتر نوشت: «شجره‌نامه‌های خاندان‌های مختلف که وصف حال آنها در کوچیکی و نیهون شوکی آمده، بی‌یقین همه



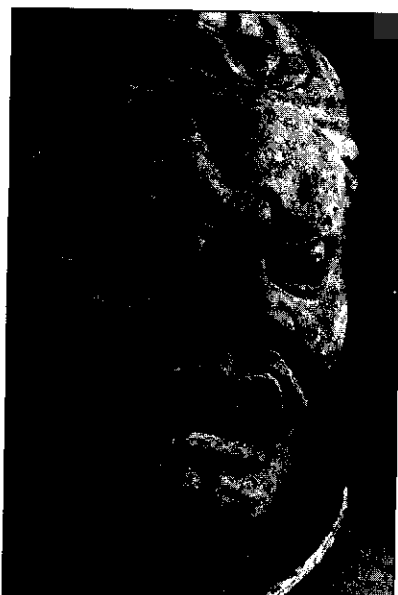
سه ایزد از چهار ایزد نگهبان بودا محفوظ در یکی از ساختمان‌های معبد تودای جی - مربوط به دوره نارا

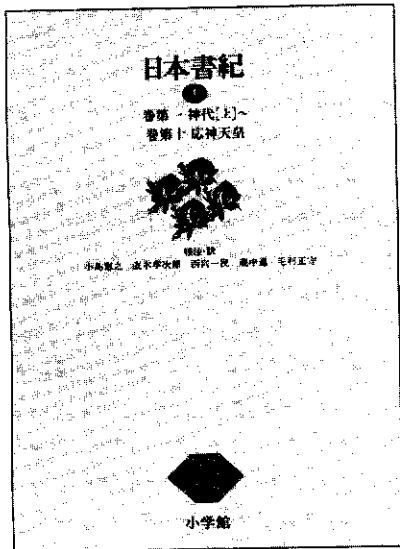
تاریخ‌نگاری در ژاپن  
دنباله سنت چینی و  
الگو گرفته از آن است.  
در چین از روزگار دور،  
رویدادهای دوره حکومت  
هر سلسله پادشاهی  
به ترتیب روزشمار ثبت و  
تدوین می‌شد

ساخته سال ۷۲۰) سرآغاز تاریخ‌نگاری بود. پس از این دو اثر، پنج تاریخ‌نامه به زبان چینی و به سفارش دستگاه حکومت و دربار تدوین شد، که ضبط رویدادهای تاریخی را تا سال ۸۸۴ دنبال کرد. کوچیکی بر ساخته همان نسلی بود که نیهون شوکی را تألیف کرد؛ اما به لحاظ زبان و محتوای ممتازش ارزش یگانه خود را دارد.

نیهون شوکی با پنج اثر بعدی، تاریخ‌نگاری رسمی، ریکوکوشی (Rikkokushi) یا «تاریخ‌نامه‌های ملی ششگانه» را می‌سازد. پنج اثر اخیر عبارت‌اند از:

۱. شوکو نیهونگی (Shoku-Nihongi)، تقویم تاریخی ژاپن، دنباله رویدادها از ۶۹۷ تا ۷۹۱: بر ساخته سال ۷۹۷ م.
۲. نیهون کوءکی (Nihon-Koki)، تقویم





روی جلد کتاب «نیهون شوکی» / «نیهونگی»، نشر کودکانشا، ۱۹۹۴ م

- McCullough, Helen c.(te.); Tales of Ise: Liric Episodes from Tenth-Century Japan, Stanford Univ. Press, 1968.
- Miller, R.J.; Ancient Japanese Nobility: The Kabane Ranking System. Univ. of California Press, 1974.
- Nihongi: Chronicles of Japan from the Earliest Times to A.D. 697, Aston, W.G. (tr.), Tuttle, Rutland & Tokyo, 1972.
- Nihon Rekishi Daijiten, Kawade Shobu: Shinsha, Revised Edition, 1968.
- رجبزاده، هاشم؛ تاریخ ژاپن از آغاز تا معاصر: نگاهی به زمینه‌ها و مایه‌های فرهنگ و تمدن امروز سرزمین آفتاب تابان، تهران، ۱۳۶۵.
- Sakamoto Taro; Rikkokushi, Yoshikawa Kobunkan, 1970.
- Sansom, Sir George, A History of Japan (Three volumes), Tuttle, Tokyo, 1974.
- Tsunoda, r. & Goodrich, L.C.; Japan in the Chinese Dynastic Histories, South Pasadena, P. d. & Ione Perkins, 1951.
- Wright, Arthur F.; Sui Yang-Ti: Personality and Stereotype, in: Wright, A.F. (ed.); The Confucian Persuasion, Stanford Univ. Press, 1960.

جدید فراهم آورد.

تاریخ‌نگاری در ژاپن به ضرورت استوار و محکم ساختن اساس مملکت بنیاد گرفت. نخستین تاریخ‌های مدون ژاپن، همان کوچیکی و نیهون شوکی، به سفارش حکومت امپراتوری نگاشته شد. این هر دو طرح تاریخ‌نگاری به احتمال در دوره فرمانروایی امپراتور تمو (از ۶۷۳ تا ۶۸۶) آغاز شد. کوچیکی در روزگار ملکه گمئی (از ۷۰۷ تا ۷۱۵)، و نیهون شوکی در عصر فرمانروایی ملکه گن‌شوء (از ۷۱۵ تا ۷۲۴) به انجام رسید.

با یافته‌های باستان‌شناسان، پیشرفت‌های فرهنگی ژاپن به حدود یک هزار سال پیش از ۵۵۰ میلادی برمی‌گردد. در این دوره است که می‌توان تمدن مشخص ژاپنی را در زمینه‌هایی مانند زبان، هنر، کشاورزی، سازمان اجتماعی و روابط میان گروه‌های حاکم ممتاز کرد.

در سال ۱۹۷۱ بازیافت مقبره مون یونگ وانگ پادشاه مملکت یانکجه در کره، که در نیهون شوکی از او یاد شده است، اعتبار تازه‌ای به این کتاب بخشید. دانشمندان با این نشانه و قرینه‌های تاریخی دیگر که در این چند ساله در چین، کره، و ژاپن به دست آمده است، می‌کوشند تا زوایای بیشتری از تاریخ ژاپن باستان را روشن سازند؛ و به‌ویژه درباره سده‌های اول تا سوم میلادی پژوهش‌های گسترده‌ای را آغاز کرده‌اند.

منابع این مقاله

- این نوشته عمدتاً از منابع زیر برگرفته شده است (به ترتیب حروف لاتینی):
- Abe Takehiko; Jodai Shizoku-no-Sosenkan ni Tsuite, Shigaku Zasshi, vol. 56, no. 4, (1945).
- Beasley W.G. & Pulleyblank E.G. (eds); Historians of China and Japan, Oxford Univ. Press, 1961.
- Brownlee, John S.; Tradition of Japanese Historical Writing, in: Brownlee (ed.); History in the Service of the Japanese Nation, Toronto, 1983, pp. 117.
- Hirata Toshiharu; Nihon Koten-no-Seiritsu-no-Kenkyo, Nihon Shoin, 1959.
- The Kojiki: Records of Ancient Matters, Chamberlain, Basil Hall (tr.), Tuttle, Rutland & Tokyo, 1981.



چهره‌ای از شوئو کوتامی، فرمانروای فرزانه سده هفتم ژاپن با دو فرزندش

- تاریخی متأخر ژاپن، رویدادهای سال‌های ۷۹۲ تا ۸۳۳: برساخته سال ۸۴۰ م.
- ۳. شوکو نیهون کوءکی (Nihon-Koki-Shoku)، تاریخنامه متأخر ژاپن، رویدادهای سال‌های ۸۳۳ تا ۸۵۰: برساخته سال ۸۶۹ م.
- ۴. مونتوکو نتوجتسوروکو (jitsuroku-Montoku-Tenno)، سرگذشت واقعی امپراتور مونتوکو (فرمانروا در سال‌های ۸۵۰ تا ۸۵۸): برساخته سال ۸۷۹ م.
- ۵. نیهون ساندای جیتسوریکو (jitsuroku-Nihon-Sandai)، حکایت واقعی سه پادشاه: سی و سی و (Seiwa) (فرمانروا در سال‌های ۸۵۸ تا ۸۷۶)، یوززی (Yozei) (۸۷۶ تا ۸۸۴)، و کوءکوء (Koko) (۸۸۴ تا ۸۸۷): برساخته سال ۹۰۱ م.

این شش تاریخنامه ملی شرح رویدادهای تاریخی ۱۵ قرن نخستین ژاپن را دربر دارند، و هر کدام به تفاوت در ۱۰ تا ۵۰ کتاب مرتب و مدون شده است. از ۴۰ کتاب نیهون کوءکی فقط ۱۰ کتاب آن بازمانده است.

با افول قدرت و حشمت درباره، بخصوص در سده‌های ۱۱ و ۱۲، حکومت مرکزی دیگر چندان توان و تمایلی به ادامه تولید کار تدوین تاریخ‌نامه‌های رسمی به زبان و شیوه چینی نداشت، و از اواخر سده اخیر زمام امور مملکت در اختیار بنیادهایی قرار گرفت که طبقه رو به عروج سامورایی در ولایات برپا کرده بودند.

○○○

بر ساخته شدن تاریخنامه‌های رسمی، از همان آغاز و با تدوین کوچیکی و نیهون شوکی، میراث علمی بسیار ممتازی را برای ژاپن عصر